خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال چهارم، شماره ۱۹۰ | هفته دوم تیر ۹۸ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

رهبر انقلاب در دیدار امروز
با رئیس و مسئولان قوه قضائیه، تأکید کردند

تحول به نفع مردم

بحث مفصلی است ذیل این سؤال که آیا انقلاب‌ها هم مانند سایر رخدادهای اجتماعی، روزی زاده شده و روزی دیگر می‌میرند یا نه؟ در پاسخ به این سؤال، به طور کلی دو دسته نظریه وجود دارد: دسته‌ای که معتقدند بله، انقلاب‌ها هم مانند سایر پدیده‌ها، روزی تمام می‌شوند. مثلا مرحوم شریعتی ذیل بحث دوگانه‌ی "نهضت - نهاد" معتقد بود که انقلاب‌ها مادامی که در مرحله‌ی نهضت و مبارزه هستند، تداوم دارند، اما به محض اینکه پس از پیروزی، مشغول تأسیس "ساختار" و "نهاد" می‌شوند، خاصیت انقلابی خود را از دست داده و دچار افت محافظه کاری شده و به مرور از بین می‌روند.

● نظریه اجتماعی امامین انقلاب

در مقابل اما نظریه‌ی اجتماعی "امامین انقلاب اسلامی" قرار دارد که معتقدند «انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلاً یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک عده‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است، نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به‌وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلاً دگرگونی و صیرورت - یعنی حالی به حالی شدن، تحوّل - اصلاً حدّ یقف ندارد؛ هیچ‌وقت تمام نمی‌شود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است.» ۹۴/۶/۲۵ در حقیقت، «دگرگونی و تحول» مانع اصلی نیفتادن در چاهویل محافظه‌کاری و ایستایی است. سیستم‌ها زمانی دچار محافظه‌کاری و میرایی می‌شوند که از تحول فاصله بگیرند.

از این زاویه، یکی از موضوعات کلیدی در «بیانیه‌ی گام دوم»، مسأله‌ی تحول و پویایی نظام است. آنجا که رهبر انقلاب چنین می‌نویسند: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالارونده، همواره دارای انعطاف و آمادگی تصحیح خطاهای خویش است، امّا تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست... انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریّه‌ی نظام انقلابی تا بدد دفاع می‌کند.» ۹۷/۱۱/۲۳

ردّ پای مطالبه‌ی تحول را می‌توان در همه‌ی انتصاب‌های دو سه ساله‌ی اخیر رهبر انقلاب، از جمله در حکم انتصاب حجت‌الاسلام والمسلمین رئیسی به ریاست قوه‌ی قضائیه دید: «سند تحول قضائی پیشنهادی جنابعالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورت‌ها و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز می‌دانم.» ۹۷/۱۲/۱۶ امروز نیز رهبر انقلاب در دیدار رئیس و مسئولان دستگاه قضایی، بار دیگر بر ضرورت تحول در قوه‌ی قضائیه اشاره کرده و فرمودند: «تحول معنایش این است که شما یک اصولی دارید دیگر یک اصول مطلقی بر اساس اسلام و قرآن و جمهوری اسلامی یک اصول معیّن و مشخصی دارید که بایستی اینها را رعایت کنید، پایبند به اینها، در چارچوب باید حرکت کنید که اینها مأموریت‌های اساسی قوه‌ی قضائیه است، اینها که تعریف نمی‌کنند، اینها همانی است که از اول بود، حالا هم هست، بعد از این هم خواهد بود مأموریتها. تحول این است که شما برای پرداختن به این اصول، انجام این مأموریت‌ها، رسیدن به این آرمان‌ها، شیوه‌ها و روشهای ابتکاری و مؤثر و نو و دارای تأثیر فراوان را ابداع کنید، ایجاد کنید؛ از این شیوه‌ها استفاده کنید، این یک؛ عیوب و خلأها و نقصهایی هم که در گذشته داشته است اینها را برطرف کنید، تحول معنایش این است.» ۹۸/۴/۵

● سه محور تحول در قوه قضائیه

این تحول در قوه‌ی قضائیه، آنچنان که رهبر انقلاب بدان اشاره کرده‌اند، حداقل در سه سطح قابل بررسی است:

اول: تحول در طرح و برنامه‌ریزی: هم باید برنامه‌ی خوب داشت و هم باید با طراحی درست، آن برنامه را عملیاتی کرد. «تحول بدون برنامه که امکان ندارد... لکن برنامه عبارت است از ذهنیات؛ اگر بخواهیم تحقق خارجی به وجود بیاید این کار لازم دارد. پس بنده توصیه‌ی اولم به رئیس محترم و مسئولان محترم و اجزای قوه‌ی قضائیه این است که همین برنامه‌ی خوبی که شما خودتان تدوین کردید و تهیه کردید و ارائه کردید، این برنامه را بر طبق زمانبندی، بدون اغماض پیش ببرید، نگذارید لنگ بشود، از چیزی واهمه نکنید، بروید جلو، به خدای متعال توکل کنید، اقدام کنید، این برنامه را عملیاتی کنید.» ۹۸/۴/۵

دوم: تحول در ساختار: طبق قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه دارای مأموریت‌ها و وظایفی است که برخی از آنها تابه امروز یا اصلا یا کمتر مورد توجه مسئولان این قوه بوده است. برای مثال، طبق قانون اساسی، قوه‌ی قضائیه، مسئول «احیای حقوق عامه» است. «در قانون اساسی احیای حقوق عامه جزو وظایف قوه‌ی قضائیه است، احیای حقوق عامه؛ خیلی دامنه‌ی وسیعی دارد؛ از مسئله‌ی اقتصاد تا مسئله‌ی امنیت تا عرصه‌ی بین‌المللی، جایگاه حقوق عامه است، دفاع از حق مردم در عرصه‌ی بین‌الملل چیز خیلی مهمّی است، این جزو وظایف شما است یا فرض بفرمایید گسترش عدل و آزادی که خب این گسترش عدل در کنار گسترش آزادی، آزادی هم البته در قانون اساسی آزادی‌های مشروع، معلوم است، گسترش آزادی این هم جزو وظایف شماست.» ۹۸/۴/۵

سوم: تحول در نیروی انسانی: بدون تحول در نیروی انسانی، نه تحول در برنامه امکان‌پذیر است و نه تحول در ساختار. «ببینید! امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاةوالسلام) در این فرمان معروف به مالک اشتر... یک بخشی مربوط به قوه‌ی قضائیه دارد، در این بخش این‌جوری می‌فرمایداول: «ثُمَّ اخْتَرْ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ» برای قضاوت برترین مردم را انتخاب بکن... بعد آن‌وقت حضرت این خصوصیاتی که باید این شخص برتر داشته باشد را ذکر می‌کنند؛ ۱۲،۱۰ تا خصوصیات است، مراجعه کنید، من خواهش می‌کنم حتماً همه بخصوص مدیران قوه‌ی قضائیه و آن کسانی که دستشان در قضاوت هست و اینها حتماً مراجعه کنند نگاه کنند... پس انتصابات خیلی مهم است، گزینش‌های شغلی خیلی مهم است؛ هم انتصابات هم گزینش‌ها، می‌خواهید قاضی گزینش کنید، می‌خواهید برای یک کارهایی گزینش بکنید، اینها را حتماً نگاه کنید.» ۹۸/۴/۵ در حقیقت نیروی انسانی مؤمن و انقلابی، موتور پیشرفت هر مجموعه و سازمانی است که می‌تواند با اقدام خود، موجبات حرکت رو به جلوی سازمان را فراهم کند.

اگر این سه تحول در قوه صورت گرفت، آنگاه می‌توان امیدوار شد که قوه‌ی قضائیه می‌تواند در جهت مأموریت‌های جدید خود، و رضایتمندی بیشتر مردم قدم بردارد. ●

کلام امام

وعده حق خدا

خدای تبارک و تعالی که می‌فرماید: «کسانی که نصرت مرا بکنند آنها را نصرت می‌کنم»، می‌دانید که ما و ملت ما نصرت دین او را می‌خواهیم و پیاده شدن احکام اسلام را می‌خواهیم و از اول نهضت همه‌ی همّ و غم ملت ما بر این بوده است که جمهوری اسلامی با محتوای اسلامی تحقق پیدا بکند. شهدا همه در راه این مقصد از صحنه‌ی ظاهری خارج شدند و دوستان عزیز ارتشی و سپاه پاسداران و سایر قشرهای مسلح و غیر مسلح، آنها همه دنبال همین مقصد هستند. وقتی که همه‌ی ما و همه‌ی شما و همه‌ی ملت دنبال نصرت احکام اسلام و نصرت خدای تبارک و تعالی هستیم خدای تبارک و تعالی نصرت می‌کند ما را. ● امام خمینی(ره)؛ ۷ دی ۱۳۶۰

خاطرات رهبری

چنین جلساتی برای ما جزو بهترین ساعت‌ها بود

قم را در یک روز سخت و بحرانی ترک کردم. من و تعدادی از دوستان، به خاطر اتفاقی که دقیقا به یاد ندارم، تحت تعقیب بودیم. ما از در مخفی پشت «مدرسه‌ی خان» که در زیرزمین رختشوی‌خانه بود، بیرون رفتیم. من سوار اتوبوسی شدم که بیشتر مسافران آن از طلاب و علمایی بودند که برای تبلیغ سفر می‌کردند. اتوبوس از قم به مقصد کرمان حرکت کرد. کرمان، آخرین مقصد اتوبوس، حدود هزار کیلومتر تا قم فاصله دارد. بیش از سی مبلغ دینی که در این اتوبوس بودند، تدریجا در شهرها و روستاهای بین راه پیاده می‌شدند. تا آنجا که به یاد دارم، در میان مسافران، آیت‌الله سبحانی هم بود. وقتی اتوبوس به اصفهان رسید، شب شده بود و می‌بایستی راننده و مسافران استراحت کنند. ما برای کل این مجموعه، یک خانه‌ی کوچک را دربست اجاره کردیم و شب خوبی را در آنجا گذراندیم و درباره‌ی مسائل مختلفی گفت‌وگو کردیم، که آمیزه‌ای از حرف زدن و بیان گرفتاری‌ها، امیدها و آرزوها، و امور تبلیغی بود. چنین جلساتی برای ما جزو بهترین ساعت‌ها و لحظه‌ها بود. ● منبع: کتاب خون دلی که لعل شد.

برش دیدار

مذاکره فریبی بیش نیست

می‌گویند بیایید مذاکره، مذاکره یک فریب است؛ مذاکره بر سر چه؟ بر سر آنچه که او می‌خواهد، یعنی شما اسلحه دست است، جرئت نمی‌کند بیاید جلو، می‌گوید آقا آن اسلحه را بده به من، آن اسلحه را بنداز، مذاکره سر این است؛ تا من بتوانم هر کاری که می‌خواهم با تو بکنم، تا من بتوانم هر بلایی می‌خواهم سر تو بیاورم، مذاکره این است. اگر چنانچه در این مذاکره‌ای که انجام می‌گیرد شما حرف او را قبول کردید، پدرت درآمده؛ اگر حرف او را قبول نکردی باز همین آش است و همین کاسه؛ دعوا و سر و صدا و تبلیغات و آقا این‌ها زیر بار نمی‌روند و حقوق بشر آمریکایی و از این مزخرفات. می‌زنند قریب سیصد نفر را روی آسمان از بین می‌برند، ادعای حقوق بشر هم می‌کنند؛ به کمک سعودی می‌روند مردم را در یمن آن‌جور در بازار و در مسجد و در مجلس عزا و در مجلس شادی و در بیمارستان و این‌ها بمباران می‌کنند، ادعای حقوق بشر می‌کنند. این‌ها این‌اند. ● ۹۸/۴/۵

آیت‌الله خامنه‌ای بر مزار شهید آیت‌الله بهشتی در دوران ریاست جمهوری | ۱۳۶۵

شهید بهشتی در مقابل دستور امام سکوت می‌کرد

من یادم می‌آید در آن سال‌هایی که فتنه‌ی لیبرال‌ها، همه‌ی حواس این کشور را به خود جلب کرده بود، ما ها غالباً خدمت ایشان می‌رفتیم، با شکایت می‌کردیم، با کاری داشتیم، با ایشان کار داشتند در آن دیدارها، امام مکرر می‌فرمودند که اگر شما ها با هم اختلاف و دعوا هم دارید، این دعوا را در درون خودتان تمام کنید؛ جرأت ملاّعام مطرح نشود! البته وقتی ایشان می‌فرمودند، یک دسته - که ما ها بودیم - گوش می‌کردند و دهانشان را می‌بستند. شما مرحوم شهید بهشتی (رضوان‌الله علیه) را یاد دارید که با این که آدمی بود که خیلی حرف داشت، خیلی هم قدرت گفتن داشت، سکوت کرد؛ ولی آن طرف دیگر، نه امام(ره)؛ پاس وحدت را داشتند و نگذاشتند که وضع به آن صورت پیش برود. مسأله‌ی وحدت، این قدر مهم است. ● ۶۹/۹/۱۲

هفت برش تاریخی درباره ترور
آیت‌الله خامنه‌ای در روز ششم تیر

احساس کردم خدا از من توقع خدمت بزرگی دارد

روحانیت در لباس رزم

۱/۷ چند روزی بیشتر از آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران نگذشته بود که رادیو عراق نام آیت‌الله خامنه‌ای را برده و می‌گوید: چرا افرادی مثل [آیت‌الله] خامنه‌ای که دیگران را به مبارزه در برابر عراق تشویق می‌کنند خودشان به جبهه نبرد نمی‌آیند؟» امام جمعه‌ی تهران اما در اولین خطبه‌ی بعد از آغاز جنگ جواب یاوه‌گویی‌های دشمن را چنین می‌دهند: «شنیدم دستگاه تبلیغاتی مزدور عراق پیغام داده است و سخن پراکنده است که چرا آنها که می‌گویند خودشان به میدان نمی‌آیند و شنیدم اسم مرا آورده است. ما میدان آمدنمان مانند میدان آمدن خائن و کافری چون صدام نیست؛ ما به سوی میدان جنگ پرواز می‌کنیم...» ۹۸/۷/۴ یک روز بعد، آیت‌الله خامنه‌ای پس از کسب اجازه از امام خمینی رحمه‌الله به همراه شهید چمران عازم جبهه‌ها می‌شوند.

ترور مردان خمینی

۲/۷ در کنار ماجرای جنگ تحمیلی و ضرورت تقویت جبهه‌ها که بنا بر رهنمود امام امت مسئله‌ی اصلی کشور تعیین شده بود، پشت جبهه‌ها اما به جای آنکه اختلافات جای خود را به همدلی و همزبانی دهد و دشمنی با دشمن ملت، از گروه‌ها و فعالان سیاسی یک "مشتِ واحد" بسازد، بخشی از بازیگران عرصه‌ی سیاسی که نمره‌ی مردودی‌شان را از مردم گرفته بودند کم‌کم تروها را شروع کردند. سپهبد قرنی، رئیس ستاد مشترک ارتش، حاج مهدی عراقی و ائمه‌ی جمعه‌ای همچون آیت‌الله صدوقی، مدنی، قاضی طباطبایی و اشرفی اصفهانی، بهایی بود که مردان خمینی(ره) برای تثبیت ریشه‌های نظام جمهوری اسلامی می‌پرداختند. با اعلام جنگ مسلحانه‌ی منافقین در ۳۱ خرداد ۶۰ این تروها شدت بیشتری یافت و حتی مردم عادی طرفدار نظام جمهوری اسلامی را نیز شامل شد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز یکی از مسئولینی بود که نام او در لیست ترور این سازمان تروریستی قرار داشت. اهالی مسجد ابوذر تهران، شنبه ششم تیر امام جمعه‌ی شهر را برای سخنرانی و جلسه‌ی پرسش و پاسخ به مسجدشان دعوت کرده‌اند. در حین پاسخگویی آیت‌الله خامنه‌ای به پرسش اول، صحبت نیمه تمام ماند و بمب دستی‌ای که گروهک فرقان در یک ضبط صوت کار گذاشته بودند سخنران جلسه را به شدت مجروح ساخت. روی جداره‌ی داخلی ضبط صوت که مثل یک کتاب از وسط باز شده بود با مازیک قرمز نوشته بودند: اولین عیدی گروهک فرقان به جمهوری اسلامی!

مثل پرکاه بین زمین و آسمان

۳/۷ رهبر انقلاب آن لحظات حساس بین ماندن و رفتن را چنین روایت کرده‌اند: «آن وقتی که بمب منفجر شد در آن مسجدی که من بودم، از وقتی که بار اول افتادم زمین - نفهمیدم البتّه چه جوری شد که افتادم - تا وقتی که به کلی بی‌هوش شدم و بعد از چند روز به هوش آمدم، سه مرتبه‌ی دیگر به هوش آمدم. در این فاصله سه بار لحظاتی به هوش آمدم و هر دفعه یک احساسی داشتم که آن حالات را من هیچ وقت یادم نمی‌رود. در یکی از این حالات احساس کردم که من دارم می‌روم، یعنی دارم می‌میرم، احساس کردم که مرگ در مقابل من است. کاملاً خودم را در مرز عالم برزخ مشاهده کردم. به‌طور خلاصه اگر بخواهم در یک کلمه بگویم، احساس کردم که در آن حال، انسان هیچ دستاویزی به جز خدا ندارد؛ هیچ دستاویزی. یعنی هرچه هم عمل آدم پشت سر خودش داشته باشد، باز هم اگر تفضل الهی و رحمت خدا را نتواند جلب کند، آدم خاطر جمع نیست که در عمل آدم شک می‌کند که این عمل را با اخلاص به جا آورده‌ام؟ آیا نیّتم صددرصد خدایی بود؟ آیا در آن شرک نبود؟ آیا ریا در آن نبود؟ ملاحظه‌ی این و آن نبود؟ می‌دانید، این‌جوری است ها، چون واقعاً ما ها مرکز عیوبیم دیگر، همه‌ی شائبه‌ها در ما هست متأسفانه. آن جا انسان احساس می‌کند که مثل پر کاهی بین زمین و آسمان است. این احساس را انسان دارد و منقطع می‌شود.»

چهار روز بعد از ترور سرخمّی سلامت

۶/۷ چهار روز بعد، که آیت‌الله خامنه‌ای حالش کمی بهتر شده بود، در مقابل دوربین صداوسیما قرار گرفت و چنین گفت: «من بحمدالله حالم خیلی خوب است. امروز هیچ احساس ناراحتی فوق‌العاده‌ای نمی‌کنم. بیشترین بخش از ناراحتی‌هایی که داشتم بحمدالله برطرف شده، راحت می‌توانم بنشینم، راحت می‌توانم از تخت پایین بیایم و راحت می‌توانم غذا بخورم و در همه احوال محبت و لطف کارکنان بیمارستان، پزشکان و بقیه، به من کمک کرده و می‌کنند. من بدین وسیله از همین جا عرض سلام و ارادت بی‌پایان خودم را خدمت امام امت می‌کنم و به ایشان عرض می‌کنم که در مقابل حوادثی این‌چنین، ما هیچ انتظاری نداریم و توقعی نداریم که کمترین رنجشی به خاطر ایشان بنشیند، ما معتقدیم که «سر خمّ می» می‌توانم از تخت پایین بیایم و راحت می‌توانم غذا بخورم و در همه احوال محبت و لطف کارکنان بیمارستان، پزشکان و بقیه، به من کمک کرده و می‌کنند. من بدین وسیله از همین جا عرض سلام و ارادت بی‌پایان خودم را خدمت امام امت می‌کنم و به ایشان عرض می‌کنم که در مقابل حوادثی این‌چنین، ما هیچ انتظاری نداریم و توقعی نداریم که کمترین رنجشی به خاطر ایشان بنشیند، ما معتقدیم که «سر خمّ می سلامت شکند اگر سبویی». همچنین از امت مسلمان و قهرمان که این همه دارند فداکاری می‌کنند در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها، این همه دارند جان‌های عزیز و نفیسشان را در راه خدا می‌دهند، انتظار نداریم که در مقابل یک حوادث کوچکی از این قبیل اظهار نگرانی و احساس نگرانی کنند و ما را بیشتر از آن چه که شرمنده هستیم، شرمنده نکنند از خداوند متعال توفیق همه را خواستارم.»

آماده برداشتن بارهای سنگین‌تر

۷/۷ هشت ماه بعد از واقعه‌ی ترور، امام جمعه‌ی تهران، بار دیگر پشت تریبون نماز جمعه قرار گرفت و سخنانی گفت که این روزها، بهتر می‌توان سرّ آن را فهمید: «هشت ماه و بیشتر از آخرین دیدار ما با یکدیگر گذشته است. آن جمعه‌ی فراموش نشدنی که به دنبال خود روزهای فراموش نشدنی دیگری را در تاریخ ما داشت، تاامروز هشت ماه فاصله دارد. فردای همان روز بود که من تا سر حد مرگ رفتم و فضل خدا به برکت دعای شما مردم من را برگرداند و من از همان لحظه احساس کردم که خدا از من توقع انجام خدمت بزرگی را دارد و خودم را آماده کردم. آن روز البته حدس نمی‌زدم که این خدمت چیست، اما یقین داشتم که باید آماده‌ی برداشتن بارهای سنگینی برای او و برای این انقلاب و در خدمت شما مردم باشم.» ۶۰/۱۲/۲۸

لحظاتی بین ماندن و رفتن

۴/۷ ماشین از در عقب بیمارستان وارد محوطه شد. برانکارد آوردند و آقا را رساندند پشت در اتاق عمل. دکتری که از اتاق عمل بیرون آمد، نبض را گرفت و با اطمینان گفت: "تمام کردم" اما...

اما دکتر فاضل که آن روز اتفاقی و برای مشاوره‌ای یکی از بیماران در بیمارستان بهارلو حضور داشت، خودش را به اتاق عمل رساند و دستور آماده‌سازی اتاق عمل را داد. بیرون بیمارستان اما مملو از جمعیتی بود که خود را به بیمارستان رسانده بودند. دکتر منافی می‌گوید: "مردم بیرون بیمارستان صف کشیده بودند برای اهدای خون. رادیو هم اعلام کرده بود جراحت به قلب آقا رسیده، عده‌ای توی محوطه جلوی اورژانس ایستاده بودند و می‌گفتند می‌خواهیم "قلب‌مان" را بدهیم... با هلی‌کوپتر، آقا را رساندیم بیمارستان قلب. لوله تنفس داشتند و تا بیمارستان دو بار مونیتور وضعیت نبض، خط ممتد نشان داد... عمل جراحی ۳ ساعت طول کشید و آقا به بخش "ای سی یو" منتقل شدند. شب برای چند لحظه به هوش آمدند... کاغذ خواستند تا چیزی بنویسند... کاغذ که دادیم با دست چپ و خیلی آرام و با دقت چند کلمه را به زحمت کنار هم چیدند: «همراهان من چطورند؟»

به چنین سربازانی در پیشگاه حضرت بقیه‌الله افتخار می‌کنم

۵/۷ یک روز بعد، امام خمینی که از زنده بودن آیت‌الله خامنه‌ای مطمئن شدند، قلم به دست شده و متنی حماسی، در رثای شاگرد خود می‌نویسند: "اکنون دشمنان انقلاب با سوءقصد به شما که از سلاله‌ی رسول اکرم و خاندان حسین‌بن‌علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه‌ی جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه‌ی انقلاب می‌باشید، میزان تفکر سیاسی خود و طرفداری از خلق و مخالفت با ستمگران را به ثبت رساندند. ما در پیشگاه خداوند متعال و ولی برحق او حضرت بقیةالله ـ ارواحنا فداه ـ افتخار می‌کنیم به سربازانی در جبهه و در پشت جبهه که شب‌ها را در محراب عبادت و روزها را در مجاهدت در راه حق تعالی به سر می‌برند. من به شما خامنه‌ای عزیز، تبریک می‌گویم که در جبهه‌های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده، و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم."

پرسش پاسخ

ایده اصلی حزب جمهوری اسلامی چه بود؟

یک حزب این است که مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی یا اعتقادی و یا ایمانی می‌نشینند و تشکّلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند، تا فکر خود را به آنها برسانند. کانون‌های حزبی تشکیل می‌شود، همه‌های حزبی تشکیل می‌شود، سلّول‌های حزبی تشکیل می‌شود و اینها در این مرکز می‌نشینند و افکاری را که خودشان به آن اعتقاد دارند و پای آن ایستاده‌اند - چه فکر سیاسی، چه فکر غیرسیاسی، چه فکر دینی، چه فکر غیردینی - در این کانال‌ها می‌ریزند و این افکار به تکتک افراد می‌رسد و آن مردمی که اینها را قبول می‌کنند، با اینها پیوند پیدا می‌کنند. به نظر من، این سبک تحزّب، منطقی است. «حزب جمهوری اسلامی» بر این اساس تشکیل شده بود و همین‌طور بود. ● ۷۷/۱۲/۴

خانواده ایرانی

بهترین کسانی که در جوّ تبلیغات دشمن ایستاده‌اند، بانو ان اند

زنان ما در میدان جنگ حضور پیدا کردند؛ در میدان بازسازی حضور پیدا کردند و در میدان نشان دادن قدرت روانی، از همه بیشتر فعالیت کردند. بهترین کسانی که در جوّ تبلیغات گوناگون دشمنان ایستادند، بانوان کشور ما بودند. تبلیغات دشمنان، به شکل‌های مختلف انتقاد، کاهی را کوهی کردن، مشکل کوچکی را ده برابر جلوه دادن و از این رادیو و آن رادیو گفتن است... بهترین کسانی که در چنین جوّی ایستادند، بانوان کشور ما بودند؛ همین زنان مؤمن که بحمدالله و به کوری چشم دشمنان، عدّه‌شان هم فراوان و فراوان است و اکثریت زنان ما را تشکیل می‌دهند. ● ۷۳/۷/۲۰

حزب‌الله این است

تعداد جوان‌های مؤمن و پرانگیزه چندین برابر اول انقلاب است

حرف ملّت در تمام این سال‌های متمادی یک حرف بود و امروز که چهل سال از آن روزها می‌گذرد، ملّت ما همان منطق، همان مسیر، همان هدف را دنبال می‌کند؛ منتها امروز پخته‌تر است، باتجربه‌تر است، واردتر است. از لحاظ انگیزه هم اگر نگوییم امروز جوان‌های ما پُرانگیزه‌تر از آن روز هستند، حدّاقل مثل همان انگیزه‌ها را دارند. علاوه بر اینکه پُرتعداد‌ترند؛ یعنی امروز تعداد جوان‌های مؤمن پُرانگیزه‌ای که حاضرند در میدان‌های خطر سینه‌سپر کنند، چندین برابر جوان‌های ما در آستانه‌ی انقلاب و در سال‌های اوّل انقلاب است؛ این خطّ مستمرّ این کشور است. ● ۹۶/۱۰/۱۹

انسان ۲۵۰ ساله

انتشار بمناسبت شهادت رئیس مذهب تشیع

امام صادق(ع) مرد تشکیلات بود

امام صادق(ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود... اما آن بعد سوم را که اصلاً نشنیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق(ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خودار طرفداران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام، از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی اینکه وقتی امام صادق(ع) اراده می‌کند آن چه را که او می‌خواهد بداند، نمایندگان او در سراسر آفاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا وجوهات و بودجه برای اداره‌ی مبارزه‌ی سیاسی عظیم آل علی جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه‌ی شهرها باشند که پیروان امام صادق(ع) به آنها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند. ● ۸۹/۱۲/۲

این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه
شهدای بمباران شیمیایی سردشت*

سردشت، هنوز هم گرفتار است

الان برای تهمت سلاح شیمیایی، اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها چه جاروجنجالی در دنیا راه می‌اندازند، چه فرشمال‌بازی‌ای درست می‌کنند! آن روز رژیم صدّام اجازه داشت سلاح شیمیایی مصرف کند نه فقط در جبهه [بلکه] در شهر سردشت، هنوز هم گرفتار است. اطراف سردشت هنوز گرفتار عوارض شیمیایی است. ببینید این وضع دنیای آن روز بود؛ نشان دهنده‌ی این بود که دنیا چه خبر است، تقسیم‌بندی دنیا چگونه است، معادله‌ی قدرت در دنیا چگونه است؛ این را جنگ، دفاع مقدّس، این هشت سال، این فداکاری‌های رزمندگان ثبت کرد. ● ۹۷/۷/۴ | * در هفتم تیر سال ۱۳۶۶ نیروی هوایی رژیم بعثی شهر سردشت از توابع آذربایجان غربی را مورد حمله‌ی شیمیایی قرار داد که طی این بمباران ۱۰۰ نفر از مردم بی‌دفاع این شهر به شهادت رسیدند و در حدود ۸۰۰۰ تن دیگر آلوده به گازهای سمی شدند.

تاریخ شهادت: ۷ تیر ۶۶

شهادت بمباران شیمیایی توسط سفاکان بعثی

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)

ارتباط با خط حزب‌الله

پیامک: ۱۰۰۰۱۰۲۸ | دورنگار: ۶۶۹۷۷۳۲۸-۰۲۱ | ایتا: eitaa.com/khattehezbollah | بله: ble.im/khattehezbollah | گپ: Gap.im/KhatteHezbollah | سروش: Sapp.ir/KhatteHezbollah